

متن پرسش

سلام استاد عزیز دیروز به مقاله ای از نشریه فارن افرز منتسب به شورای روابط خارجی امریکا بر خوردم که دو کتاب که اخیرا در مورد ایران و انقلاب توسط محققین غربی نوشته شده بود را بررسی میکرد. نکته جالب تحیر و تعابیر ضد و نقیض جیمز بوچان محقق غربی از شخصیت حضرت امام است. در بعضی تعبیرات شمه هایی از حقیقت به مشام می رسد اما در بعضی دیگر نویسنده کاملا دچار سوءفهم است. به هر حال روایت جالبی است که نشان میدهد چگونه حجاب معیارهای مدرنیته انسان را از فهم حقیقت و اسرار احوالات شخصیت های الهی باز می دارد. متانت و طمئینه الهی امام به سنگ دلی و غیرعاطفی بودن تعبیر می شود و به هیچ انگاشتن ادبیات متعارف سیاسی غرب به بی سوادی. مناسب دیدم بخشی از این مقاله جالب را ترجمه و خدمتتان ارسال کنم: بوچان خمینی را به عنوان یک رادیکال مادام‌العمر، یک سیاست‌مدار بسیار تهاجمی در میان روحانیتی عمدتا سکوت‌پیشه ترسیم می‌کند. جاه‌طلبی خمینی آن‌چنان سنگ‌دلانه بود که حتی رئیس ساواک در مورد آن گفته بود که موی را بر بدنش سیخ می‌کرد. بوچان می‌نویسد، در حضور او «انگار که شخصیتی با اقتداری غیرقابل فهم یک باره ظاهر شد و با یک تشعشع تند، مدرنیته را ... خاتمه داد.» خمینی که پرزور و سازش‌ناپذیر بود هیچ چیز را قربانی خوش‌رویی، آداب دیپلماتیک، یا در نهایت، خواسته‌های نرم مردم خویش نکرد. «در عالم خلقت، به نظر می‌رسد به طور ناقصی زندانی شده است، مثل مسافری در سالن استراحت فرودگاه در هوایی طوفانی». بوچان با شگفتی می‌نویسد: «در غرب، ما که مدت‌ها است متون دینی اسکولاستیسیم (مدرسی‌گرایی) را پشت سر گذاشته‌ایم، نمی‌توانیم بفهمیم مردی را که می‌تواند این قدر بداند و در عین حال هیچ نداند. نوشته‌های عرفانی او بخار از سرمان بلند می‌کند در حالی که بیانیه‌های سیاسی او حتی لایق توجه هم نیستند.»

متن پاسخ

باسمه‌تعالی: سلام‌علیکم: ضمن تشکر؛ الحمدالله خداوند دشمنان ما را تا این حدّ احمق و نادان خلق کرده که در فضایی تحلیل می‌کنند که هیچ رویکردی به واقعیت ندارد و با گام‌زدن در عالمی با این تحلیل‌ها به ناکامی کامل می‌رسند. موفق باشید